

گزارش را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



حکایت چرب و چیل ترین غذای پایتخت



بهاره خسروی

بسیاری از تهران شناسان معتقدند که چلو کباب، غذای ویژه تهرانی‌ها است که در دوره ناصرالدین شاه رواج پیدا کرده است. در کتاب «تاریخ قاجار» محمدرضا معتمدالکتاب آمده: «به دستور ناصرالدین شاه فردی قفقازی وارد دربار ایران شد و کبابی را که در این منطقه طبخ می‌شد برای دربار آماده کرد. این کباب بعدها از سوی آشپزهای دربار کمی تغییر می‌کند و به شکل امروزی به عنوان یک غذای کاملاً ایرانی ماندگار شده است.» نخستین کسی که شروع به طبخ کباب قفقازی در تهران کرد شخصی به نام نایب بود که سال ۱۲۵۴ حمام ابتدای بازار صحاف‌ها را خرید و بعد از پر کردن خزینه‌اش، سالن بزرگ حمام را برای راه‌اندازی نخستین چلوکبابی تهران فرش کرد. البته اوایل در این مغازه فقط کباب طبخ می‌شد و در آن خبری از چلو نبود تا اینکه در همان دوران فردی به نام ابول‌پلویی یا ابول‌چلویی، از چلوپزهای معروف تهران دست به ابتکار جالبی زد. شاگردان او دم‌طهر برای مغازه‌های کبابی و سایر غذافروشی‌ها چلویی می‌پزدند و همین ماجرا باعث تولد یک غذای تازه شد. تا اینکه سال ۱۲۹۰ حاج علی اکبر خان رفتاری نخستین چلو کبابی مدرن امروزی در بازارچه قوام‌الدوله میدان شاپور راه‌انداخت. در تهران قدیم ورود به چلو کبابی‌ها آداب خاصی داشت؛ با ورود مشتری به داخل مغازه، صاحب دکان که اغلب پشت‌دخل می‌نشست پیشخدمت با به قول امروزی‌ها گارسون مغازه را صدای زود می‌گفت: مشه‌دی، حاجی یا آقا را جای دهید. کارگر بعدی وظیفه داشت تا قبل از آماده‌شدن غذا یک مجمع بزرگ محتوی نان و نمک، یک بشقاب پیاز، سماق، دوغ و شربت مقابل مشتری بگذارد. البته اندازه کباب هم قاعده خاصی داشت و اندازه آن باید به اندازه سه‌مشت برنج بود. معمولاً چلو کباب در سینی یا بشقاب‌های گلسرخ سرو می‌شد. اگر مشتری تمایل به خوردن دوباره کباب داشت دوباره می‌توانست سفارش دهد چون کباب و کره تا سه نوبت شارژ می‌شد. اما قیمت چلو کباب چقدر بود؟ در زمان ناصرالدین شاه قیمت یک پرس چلو کباب کامل با همه مخلفات ۳ قران بود. دوره احمدشاه چلو کباب افزایش قیمت پیدا کرد و به ۴ تا ۵ ریال رسید.

کلیسای سنت میناس؛ پله گودتر

کلیسای سنت میناس، از جاذبه‌های گردشگری محله ونک است. سبک معماری این کلیسا ارمنی است، اما برخلاف سایر کلیساها که روی صفحه‌ای بالاتر از سطح زمین قرار دارند این کلیسا ۲ پله پایین‌تر از سطح زمین قرار گرفته است. کلیسای سنت میناس مقدس در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۰ با شماره ثبت ۴۶۸۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



باغ ایرانی ونک

خانه مستوفی الممالک در محله قدیم ده ونک به باغ مستوفی الممالک معروف بود و حالا تبدیل به باغ ایرانی شده است که در فصل رویش گل لاله به‌خاطر وجود انبوه لاله‌های رنگارنگ بازدیدکنندگان زیادی دارد. عمارت‌های قدیمی باغ نیز مرمت‌شده و به زیبایی این باغ افزوده‌اند. این مکان در سال ۱۳۸۴ شمسی در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.



تاریخ این محله پایتخت بامهاجرت آرامنه به تهران گره خورده است

قلعه پیرماجرای ونک

محله خوش آب‌وهوای ونک در گذشته به ۲ بخش تقسیم می‌شد؛ ده ونک و بخش ارمنی نشین که به ونک آرامنه معروف بود. ونک آرامنه بخش شرقی روستای ونک را در برمی‌گرفت و قلعه آرامنه در مرکز آن بود که پیرامونش کشاورزی و باغداری رونق داشت. هنوز هم قلعه آرامنه و گورستان ارمنیان در همین بخش وجود دارد. در تقسیم‌بندی شهری، بخش ونک آرامنه در محدوده محله آرات و محله ونک در منطقه ۳ قرار گرفته است و خیابان قلعه آرامنه از این دو محله عبور می‌کند. با این حال هنوز هم اهالی قدیم، محدوده ونک آرامنه را بخش مهمی از تاریخ ونک می‌دانند و قصه‌های بسیاری از آن نقل می‌کنند.

سمیرا باجانپور

مهاجرت ۱۳ خانواده ارمنی به تهران

ماجرای آرامنه محله ونک از آنجا آغاز شد که محمدشاه قاجار، وزیر خود «حاج میرزا آغاسی» را مأمور کرد تا آرامنه کشاورز را برای تامین علوفه چارپایان قشون دولتی به تهران بیاورد. حاج میرزا آغاسی در سال ۱۱۰۸ شمسی ۱۳ خانواده ارمنی را از دهات چهارمحال و بختیاری به اطراف تهران (مکان فعلی قلعه آرامنه) آورد. آنها مردمانی کشاورز و دامدار بودند. در دست‌نوشته‌های به‌جا مانده از «میکائیل هارطونیان» که حدود ۸۰ سال پیش کدخدای قلعه آرامنه بوده، آمده که از ۱۳ خانواده حدود ۴ خانواده به مناطق اطراف یعنی دروس، تلو و... رفتند. خانواده‌های باقیمانده نیز به مدت ۲ سال در چادر، کنار چشمه‌ای که در محل فعلی باشگاه آرات قرار داشت، به سختی با پرورش گاو و گوسفند زندگی کردند تا خانه‌هایشان در محل قلعه فعلی ساخته شد. بعد از حاج میرزا آغاسی، «میرزا یوسف مستوفی الممالک» که مالک آن زمین‌ها بود، آنجا را به آرامنه بخشید. آرامنه خانه‌هایشان را با خشت و گل ساختند و طبق دست‌نوشته‌های میکائیل هارطونیان کنار هر خانه‌ای طویله‌ای وجود داشت. زمین‌های اطراف نیز زمین‌های کشاورزی و باغات مستوفی الممالک بود که آرامنه به‌عنوان رعیت‌های مستوفی در آن زمین‌ها کار می‌کردند.

خانه‌ها در حصار قلعه و ۴ برج

چند سالی گذشت و آرامنه مهاجر و فرزندانشان برای امنیت بیشتر دور تادور خانه‌هایشان دیواری کشیدند و ۴ برج در ۴ طرف اصلی قلعه برای دیدبانی بنا کردند. در «قلعه آرامنه» که زمین مربع شکل بزرگی بود خانه‌ها در امتداد هم ساخته شدند. وسط قلعه هم کلیسای معروف «میناس مقدس» قرار داشت، اما با توسعه شهر نشینی کم‌کم دیوارهای قلعه برداشته شد و تنها بخش کوچکی از آن باقی ماند. این روزها قلعه آرامنه به یکی از مکان‌های دیدنی محله ونک تبدیل شده است.

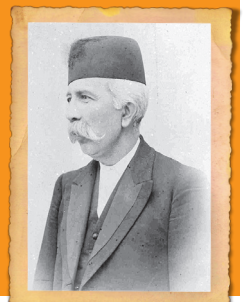
عبادت در خانه‌های کوچک

طبق اسناد تاریخی، زمانی که آرامنه در محدوده ونک ساکن شدند کلیسایی نداشتند؛ برای همین ناصرالدین شاه ۳۰۰ تومان به آنها می‌دهد تا کلیسا بسازند. در دست‌نوشته‌های میکائیل هارطونیان، کدخدای ونک آرامنه آمده که ۲ پسر عمو به نام‌های «گالوس هوسپیان» و «خوداقلی هوسپیان» از قلعه مأمور می‌شوند تا انجیل را به کلیسا بیاورند. آنها پای پیاده به «خرقان»، مکانی بین همدان و قزوین می‌روند. زمان بازگشت پسر عموها، آرامنه با مراسم مذهبی و روشن کردن کندر از آنها استقبال می‌کنند. چون هنوز کلیسا ساخته نشده بود پسر عموها به مدت ۵ سال انجیل را در خانه خود که مقابل کلیسا بود نگاه می‌دارند. مردم نیز مراسم مذهبی خود را در اتفاقی رو به روی آن خانه انجام می‌دادند.



نام میرزا حسن مستوفی الممالک با تاریخ و هویت ونک گره خورده است؛ از قنات‌های بی‌شماری که برای آبادانی این روستا حفر کرد تا حمایت از آرامنه این روستا و توسعه کشاورزی و باغداری در این محدوده همه و همه ردی از حضور جدی این وزیر خوشنام دربار قاجار دارد. آن طور که در منابع تاریخی آمده زمانی که مستوفی الممالک زمین‌های ده ونک را از ناصرالدین شاه خرید، خانواده‌های کمی در آن زندگی می‌کردند. باغ‌ها و کوچه‌های این محدوده بعداً توسط خاندان مستوفی یک به یک پدیدار شد و خیلی زود این ده کوچک، جای خود را به باغ‌های ایرانی داد. «سیما طایفه»، پژوهشگر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در این باره می‌نویسد: «از میرزا یوسف مستوفی الممالک در تاریخ به‌عنوان مردی نیکوکار یاد شده است. او در انجام امور عام‌المنفعه همچون آباد کردن روستاها و مزارع، احداث قنات و حفر آنها اهتمام داشته است. او سال ۱۲۶۵ خورشیدی بدرود حیات رفت و در باغ ونک، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد.

وزیر نیکوکار قاجار در باغ ونک



۴ برج نگهبانی

در قلعه آرامنه بود که هنوز هم در محدوده محله فعلی آرات وجود دارد. با این نشانه‌ها می‌توان گفت که محدوده ونک آرامنه، همان حدفاصل غرب خیابان سنول و شرق بزرگراه کردستان است.



۸ رشته قنات

محدوده ونک را سیراب می‌کرد؛ قنات‌هایی که از محدوده ونک آرامنه می‌گذشت و کشاورزی و باغداری این محدوده را رونق می‌بخشید. نخستین قنات این محدوده به شکل قنات‌های شهر یزد حفر شد.

